

# بررسی جایگاه بخش نفت و گاز در اقتصاد سال‌های اخیر ایران

مرتضی راعی دهقی

(دکترای مدیریت بازرگانی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و استاد مدعو دانشگاه پیام نور مرکز اصفهان)

اقتصاد کشور شده است.

در کنار ساختارهای اقتصادی، شاخص‌هایی نظیر افزایش شدید حجم نقدینگی در دو سه سال اخیر، نوسانات شاخص قیمت‌ها و نسبت نقدینگی به تولید، بیانگر افزایش نرخ تورم بدون اتخاذ سیاست‌های جبرانی مناسب می‌باشد که موجب تحمیل فشار تورمی عمدتاً بر اقشار کم درآمد شده و قدرت خرید عمومی به ویژه گروه‌های با درآمد ثابت مثل حقوق‌بگیران را (به دلیل رشد تورم بیشتر از افزایش حقوق‌ها) تقلیل داده است.

در این مقاله پس از بررسی وضعیت موجود بخش نفت و گاز کشور، تأثیرگذاری درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز در

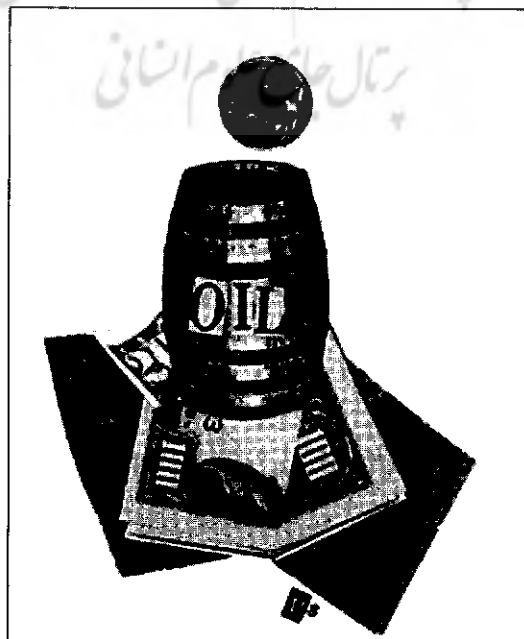
درآمدهای دولت و شاخص‌های کلان اقتصاد کشور مورد بررسی قرار گرفته و میزان وابستگی اقتصاد به این بخش را مشخص کرده تا چاره‌ای اندیشیده شود که در آینده این وابستگی تشدید نشود و به تدریج کاهش یابد.

## مقدمه

اولین چاه نفت در ایران در پنجم خرداد ماه ۱۲۸۷ در مسجد سلیمان به نفت رسید و تولید بازرگانی نفت در سال ۱۲۹۰ با تولید روزانه ۵۵۰ بشکه در روز آغاز گردید. قیمت نفت خام تا سال ۱۹۷۰ کمتر از دو دلار در هر بشکه بود. با ظهور

ارز حاصل از فروش نفت و گاز در ایران نه تنها سهم بالایی از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد، بلکه خود نیز بر سایر درآمدهای دولت تأثیر گذار است. در سال‌های اخیر علیرغم تلاش‌های ارزنده جهت افزایش سهم مالیاتها و سایر درآمدها در بودجه دولت این کار خیلی مؤثر واقع نشده و افزایش شدید وابستگی دولت به درآمدهای نفتی همچنان حس می‌شود و نگران‌کننده است. این مسئله همچنین موجب شده تا شرایط مناسب برای ایجاد دگرگونی در ساختارهای اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری و ایجاد و استقرار زیر بناهای ضروری فراهم نگردد. در دهه‌های اخیر در نتیجه تصدی‌های دولت در امور اقتصادی،

وابستگی شدید بودجه دولت به درآمدهای نفتی و ساختار معیوب بودجه کشور که با افزایش هزینه‌های جاری همراه بوده است، افزایش تکیه دولت به درآمدهای حاصل از فروش ارز در تأمین هزینه‌های عمومی، نظام ناکارآمد مالیاتی، ادامه انحصارات دولتی، حجم بالای تصدی‌های دولتی، گسترش بی‌رویه شرکت‌های دولتی و نابهره‌ور بودن آن‌ها نسبت به بخش خصوصی و قوانین و مقررات متمرکز، ناکارآمدی اقتصادی استمرار یافته و موجب تشدید نارسایی‌های ساختار بیمار



شوگ نفتی در سال ۱۹۷۳ دوران نفت خام ارزان به پایان رسید و قیمت نفت در هر بشکه چندین برابر گردید که این شروع وابستگی بیشتر کشورهای نفت خیز و ایران به درآمدهای حاصل از نفت بود. علی رغم فراز و نشیب‌های طی شده در سالهای اخیر وابستگی اقتصاد ایران به بخش نفت در حال افزایش است و این در حالی است که بخش گاز نیز در کنار آن در حال رشد می باشد.

از سال ۱۳۹۰ تا کنون بیش از ۵۵ میلیارد بشکه نفت از میادین مختلف نفت کشور بفرش رسیده است. اکنون اکثر مخازن نفتی کشور در نیمه عمر خود به سر می برند و با مسئله خیلی مهم بازیافت مواجه می باشند. برداشتی که تاکنون انجام می گرفت به روش برداشت طبیعی بوده اما اکنون مسأله حفظ و افزایش ضریب بازیافت مطرح است. لذا اکثر کارشناسان بر اهمیت تزریق گاز به چاههای نفتی کشور و تداوم تولید صیانتی نفت تأکید دارند. زیرا اگر گاز را به حوزه های نفتی تزریق نکنیم، منابع نفتی مان با افت تولید رو به رو می شوند. حتی زمان تزریق نیز بسیار مهم است، به طوری که اگر این کار به موقع انجام نشود، حتی اگر بعداً این کار صورت پذیرد، با توجه به اینکه اکثر مخازن نفتی کشور در نیمه عمر خود به سر می برند، مضر ثمر واقع نخواهد شد. در گذشته وجود گاز به تولید نفت بستگی داشت، ولی امروزه ادامه تولید نفت به وجود گاز بستگی دارد.

از طرف دیگر در حال حاضر با وجود قیمت بالای نفت، تزریق گاز دارای صرفه اقتصادی است و حتی بر مصارف پتروشیمی ارجحیت دارد. اگر در بخش پایین دستی، گاز به عنوان خوراک به محصولات پتروشیمی تبدیل شود، ارزش آن سه تا چهار برابر می شود، ولی تزریق گاز به چاه ها برای هر بشکه نفت حدود سه دلار هزینه در بر خواهد داشت که با این کار نفت را تا حدود بشکه ای ۱۰۰ دلار می توان فروخت و به همین دلیل، امروزه نفع اقتصادی آن حتی قابل مقایسه با محصولات پتروشیمی نیست.

اما تولید گاز کشور در حال حاضر بسیار اندک است و مشکل صنعت نفت کشور ضعف در افزایش ظرفیت تولید است که یکی از راههای از دیدار داشت از مخازن نفتی تزریق گاز به آن هاست. یک مخزن نفتی در چند سال اول و دوره جوانی به تزریق گاز نیازی ندارد، ولی به تدریج دچار کاهش فشار و در نتیجه افت تولید می شود که با تزریق آب، گاز یا مخلوط آب و گاز (WAG) می توان این مشکل را بر طرف کرد.

تولید فعلی گاز کشور حدود ۴۱۷ میلیون متر مکعب در روز است، که از این میزان روزانه تنها حدود ۲۰ میلیون متر مکعب به مخازن نفتی جنوب تزریق می شود. ولی اولویت مصرف گاز باید تزریق گاز به چاههای نفتی جهت افزایش ذخایر قابل استحصال نفت باشد و مصرف داخلی و صادرات گاز در اولویت های بعدی قرار گیرند، زیرا نفت در بازارهای جهانی قیمت بسیار بالاتری نسبت به گاز دارد. (۱)

بدین خاطر میان اکثر کارشناسان، درباره صادرات گاز همواره اختلاف نظر وجود داشته است. عده ای معتقدند که با توجه به نیاز مصرف داخلی، اعم از خانگی، صنعتی، نیرو گاهی و تزریقی فروش گاز به صورت خام و بدون اینکه آن را به فرآورده تبدیل کنیم، با توجه به اینکه ارز آوری چندانی نیز نخواهد داشت، مقرون به صرفه نخواهد بود و با آن مخالفت می کنند، ولی برخی کارشناسان نیز معتقدند با توجه به وضعیت موجود، صادرات گاز هر

چند ناچیز برای دومین دارنده ذخایر گاز، یک ضرورت است و صادرات گاز از جنبه مالی برای ایران آنقدر که جنبه استراتژیک آن مطرح است مهم نیست.

اما از طرف دیگر ذخایر گازی ایران با بعضی همسایگان مشترک است و اگر گاز را فقط به مصرف داخلی برسانیم و صادرات نداشته باشیم - یعنی تأسیساتی بوجود نیآوریم که گاز صادر شود- کشورهای مثل قطر، عربستان سعودی، بحرین یا امارات متحده عربی از ذخایر مشترک بدون اینکه خود ما بهره ای برده باشیم، به میزان فراوان بهره برداری خواهند کرد. لذا با توجه به اینکه برای برداشت گاز الزام داریم و فرصتی هم برای سرمایه گذاری نداریم باید صادرات گاز را نیز توسعه دهیم. ولی به نظر می رسد هیچ ساز و کار مناسبی هم برای جذب سرمایه نداریم چون جذب سرمایه یک محیط امن و مناسب و سیاست جامع پولی و مالی لازم دارد پس برای حل این مشکل در مرحله نخست باید سرمایه گذاری های داخلی را فعال کنیم، زیرا اگر این سرمایه ها فعال نشوند، سرمایه گذار خارجی قنمی جلو نمی گذارد. یا اینکه از حساب ذخیره ارزی جهت سرمایه گذاری بخش خصوصی در این زمینه استفاده کنیم.

وابستگی شدید اقتصاد و بودجه دولت به درآمدهای نفتی نیز موجب رشد نقدینگی شده که در کنار بودجه انبساطی مهمترین دلیل افزایش نرخ تورم در سال های اخیر بوده اند که قدرت خرید عمومی به ویژه گروه های با درآمد ثابت را کاهش داده و لازم است تجزیه و تحلیل و چاره اندیشی شود. لذا این مقاله ابتدا به بررسی وضعیت موجود بخش نفت و گاز کشور و تأثیر گذاری درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز در درآمدهای دولت و شاخص های کلان اقتصاد کشور می پردازد و سپس به موضوع افزایش وابستگی دولت به درآمدهای نفتی در سال های اخیر، از یک طرف به دلیل افزایش قیمت های نفت در بازار جهانی و از طرف دیگر به دلیل برداشت قابل توجه از حساب ذخیره ارزی با توجه به هدف گیری های دولت در جهت ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی می پردازد. در پایان ضمن شناسایی نارسایی ها لزوم توجه به کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در سال های آتی را متذکر می شود و با ارایه راهکارهای عملی در قالب پیشنهادات و توصیه ها به این مهم می پردازد.

### اهمیت منابع نفت و گاز کشورهای حوزه خلیج فارس

کشورهای حوزه خلیج فارس شامل ایران، امارات متحده عربی، بحرین، عراق، عربستان، قطر و کویت مجموعاً ۳۰ درصد تولید نفت جهان و ۵۷ درصد ذخایر نفتی جهان (معادل ۷۱۵ میلیارد بشکه نفت) را در اختیار دارند. علاوه بر نفت، کشورهای منطقه ۶۹/۷ تریلیون متر مکعب ذخایر گازی یعنی معادل ۴۵ درصد ذخایر گازی جهان را در اختیار دارند.

در این بین سواحل مرزی ایران از اهمیت بسزایی برخوردار است، چرا که مسیر عبور نفتکش ها و تانکرهای بزرگ نفتی از نزدیکی این مرزها می گذرد. به گونه ای که نفت عبوری از تنگه هرمز ۴۰ درصد نفت مبادله شده در بازارهای جهانی و ۱۷ میلیون بشکه نفت حمل شده از طریق تنگه هرمز به آسیا به مقصد کشورهای ژاپن، چین و هند است.

بر اساس آمار اداره اطلاعات انرژی آمریکا (جدول شماره ۱)، تولید نفت

جدول (1) - تولید نفت کشورهای حوزه خلیج فارس

تولید نفت کشورهای حوزه خلیج فارس ( سال )	بشکه در روز ( میلیون )	درصد از تولید کل جهان
1990	18/7	-
2000	21/7	28%
2003	23/7	-
2010	28/3	-
2020	31/1	33%
2030	36/8	36%

منبع : اداره اطلاعات انرژی آمریکا-2007

کشورهای حوزه خلیج فارس در سال ۱۹۹۰ میلادی کمتر از ۱۸/۷ میلیون بشکه در روز، سال ۲۰۰۰ حدود ۲۱/۷ میلیون بشکه و سال ۲۰۰۳ حدود ۲۳/۷ میلیون بشکه بوده است. تولید نفت در این کشورها تا سال ۲۰۱۰ میلادی به بیش از ۲۸/۳ میلیون بشکه، تا سال ۲۰۲۰ به ۳۱/۱ میلیون بشکه و تا سال ۲۰۳۰ به بیش از ۳۶/۸ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

ظرفیت تولید نفت کشورهای منطقه در سال ۲۰۰۰ حدود ۲۸ درصد کل تولید جهانی بوده است و تا سال ۲۰۲۰ معادل ۳۳ درصد و طی سال ۲۰۳۰ به بیش از ۳۶ درصد افزایش خواهد یافت. این حاکی از آن است که اهمیت استراتژیک خلیج فارس در طول زمان بیش از پیش در حال افزایش است.

متر مکعب در روز برسد. در حالیکه مصرف و صادرات گاز کشور قرار است به رقم ۷۴۴ میلیون متر مکعب برسد. (۴) بنابراین مصرف گاز باید روزانه ۱۹۲ میلیون متر مکعب کاهش یابد. آمار و ارقام به روشنی نشان می دهد که برنامه ریزی در بخش گاز کشور باید بکلی مورد تجدید نظر قرار گیرد و این کار با ابلاغ بخش نامه محقق نمی شود بلکه نیاز به سرمایه گذاری، نیروی انسانی، تکنولوژی و مدیریت مخزن دارد که باید چاره اندیشی شود. بنابراین مسئله این نیست که ایران منابع گازی ندارد بلکه موضوع این است که ذخایر گازی در کشور موجود است، اما توان تولید وجود ندارد، یعنی امکانات دسترسی به تولید برآیمان فراهم نیست.

امروزه گاز طبیعی حدود ۲۵ درصد از انرژی دنیار ا تأمین می کند و با توجه به ایجاد آلودگی بسیار کم، روند تقاضای آن نیز در سبد انرژی مصرف افزایش یافته است. همچنین ذخایر فعلی نفت در جهان تقاضای ۲۵ تا ۳۰ سال آینده را جوابگوست و می توان گفت نفت در مقیاس جهانی در حال پایان پذیری است و جایگزینی نفت با دیگر حامل های انرژی از جمله گاز، از دغدغه های بزرگ بخش انرژی دنیا به شمار می آید. ایران نیز که عنوان دومین کشور دارای منابع گازی جهان را دارد، و از این مقدار ۵۰ درصد در منطقه پارس جنوبی ذخیره شده است باید توجه ویژه ای به توسعه این صنعت داشته باشد.

بر اساس پیش بینی آژانس بین المللی انرژی هم، تا سال ۲۰۲۰ میزان تولید نفت روزانه جهان، به ۱۰۵ میلیون بشکه و تا سال ۲۰۳۰ به ۱۱۶ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. (جدول ۱)

### منابع نفت و گاز ایران

در همین حال آمریکا با داشتن ۳ درصد از ذخایر گاز جهان، ۵۵۰ میلیارد متر مکعب در سال گاز تولید می کند، یعنی با یک پنجم ذخایر گازی ایران حدود ۵ برابر ما تولید گاز دارد. کانادا با یک هفدهم ذخایر گاز ایران ۲ برابر و انگلیس با اختیار داشتن یک چهلم ذخایر گازی ایران به اندازه ما گاز تولید می کند.

ایران به تنهایی ۱۱/۱ درصد کل ذخایر نفتی جهان (۱۳۲ میلیارد بشکه) و ۱۵/۳ درصد ذخایر گاز طبیعی معادل ۲۷/۵ تریلیون متر مکعب را در اختیار دارد. (۳) سهم تولید نفت ایران در میان کشورهای عضو سازمان اوپک در حال حاضر ۴/۱ میلیون بشکه در روز است و در طول یک سال گذشته بطور متوسط روزانه در حدود ۲/۴۱۵ میلیون بشکه نفت صادر کرده است که این رقم در مقایسه با ارقام سال قبل بیش از ۱/۷۲۲ درصد افزایش نشان می دهد. و میزان تولید و واردات گاز کشور در سال ۱۳۸۵ حدود ۴۱۷ میلیون متر مکعب در روز بود. این در حالیست که نیاز کشور برای مصرف و صادرات ۵۲۶ میلیون متر مکعب در روز بوده است. به عبارت دیگر در روزهای سرد سال گذشته روزانه بیش از ۱۰۹ میلیون متر مکعب کمبود گاز داشتیم و طی ۵ سال آینده تولید و واردات گاز کشور، طبق برنامه باید به رقم ۵۵۲ میلیون

### نقش درآمدهای نفتی در اقتصاد و بودجه ایران

بخش نفت و گاز موتور محرکه فعالیت های اقتصادی ایران است و درآمدهای نفتی همیشه نقش مهمی را در بودجه سالانه کشور ایفا کرده و تأثیر قابل توجهی نیز بر سایر درآمدهای دولت داشته است چون بسیاری از بررسی ها نیز نشان می دهد که تولید ناخالص داخلی کشور تحت تأثیر میزان درآمدهای نفتی است و درآمدهای مالیاتی هم که بخشی از تولید ناخالص

داخلی کشور را در بر می گیرد رانیز تحت تأثیر قرار می دهد. از بررسی وضعیت اقتصادی کشور با استفاده از مهم ترین شاخص های اقتصادی از ابتدای برنامه اول توسعه تا دو ساله اول برنامه چهارم یعنی ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۵ که در زیر آمده است می توان به میزان افزایش وابستگی اقتصاد و بودجه کشور به درآمدهای نفتی پی برد (۵). (جدول ۲)



رشد تولید ناخالص داخلی: بررسی وضعیت اقتصادی کشور از طریق ۲۱ شاخص مهم اقتصادی در ۱۸ سال اخیر نشان می دهد (جدول شماره ۲)، متوسط رشد ناخالص داخلی برابر با ۴ درصد در دو

کمی یافته است بطوری که وضعیت این متغیر در هشت ساله ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۵ برابر با ۴/۳ میلیون ریال، در هشت ساله ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۳، برابر با ۵/۲ میلیون ریال و در سال ۱۳۸۴ برابر با ۶/۱۱ میلیون ریال بوده است که با توجه به متوسط صادرات نفت و گاز در همین دوران بهبود محدودی صورت پذیرفته است.

سرمایه گذاری: رشد سرمایه گذاری در کشور در سه دوره پیش گفته در بهترین حالت در دوره ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۳ و برابر ۷/۷ درصد بوده است. رشد این متغیر طی دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب ۵/۸ و ۸/۱ درصد بوده است. لازم به ذکر است که رشد این متغیر در دو سال نخست برنامه

پنج ساله چهارم به ترتیب ۱۱/۳ و ۱۱/۰۰ درصد هدف گذاری شده بود که گویای این است که اهداف مورد نظر تحقق نیافته است.

هزینه های مصرفی دولت: رشد هزینه های مصرفی دولت به قیمت های ثابت سال ۱۳۷۶ در سال ۱۳۸۴ نسبت به دوره قبلی افزایش زیادی یافته است. همچنین نسبت هزینه های مصرفی بر سرمایه گذاری دولت در این سه دوره به ترتیب از ۱/۵ و ۱/۳ به حدود ۳/۰۰ ارتقا یافته است که گویای افزایش بیش از حد هزینه های مصرفی دولت نسبت به هزینه های سرمایه گذاری آن می باشد. و نیز رابطه معنی داری بین رشد هزینه های مصرفی دولت و درآمد های نفتی وجود دارد.

از طرف دیگر اعتبارات جاری در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۸۴ معادل ۲۵/۷ درصد رشد داشته است و درصد عملکرد سال ۱۳۸۵ نسبت به مصوب سال ۱۳۸۵ در مورد تملک دارایی های سرمایه ای (اعتبارات عمرانی) ۷۸/۴ درصد بوده و دولت نتوانسته به میزان مجوزهای گرفته شده در این خصوص، اعتبارات عمرانی خود را تحقق بخشد.

اندازه دولت: وضعیت اندازه دولت با استفاده از شاخص نسبت منابع عمومی دولت به تولید ناخالص داخلی گویای این واقعیت است که اندازه دولت زمان در این سه دوره در حال افزایش بوده است و به ترتیب از ۲۱ درصد

دوره هشت ساله ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۳ بوده است. و وضعیت رشد تولید ناخالص داخلی در دو ساله نخست برنامه چهارم یعنی ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب ۵/۴ و ۵/۳ درصد بوده است، که با توجه به درآمدهای بالای نفتی در این دو سال نسبت به ۱۶ سال قبل از آن می تواند حاکی از فاصله از رشد تولید ناخالص داخلی بالقوه کشور باشد. صادرات نفت و گاز در دو ساله مذکور بیش از چهار ساله ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۳ بوده است. (۶) بر اساس برنامه پنج ساله چهارم، رشد تولید ناخالص داخلی در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب باید برابر با ۷/۱ و ۷/۴ درصد می بود. از طرف دیگر تولید ناخالص داخلی جهان در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ معادل ۲/۸ درصد، کشورهای با درآمد پایین ۶/۱ درصد و کشورهای با درآمد متوسط ۵/۲ درصد بوده است که موقعیت ایران با رشد متوسط ۴/۷ درصد در طی این سال ها پایین تر از کشورهای با درآمد متوسط بوده است. و این در حالیست که رشد تولید ناخالص داخلی آسیای جنوب شرقی و اقیانوس آرام هم در این سال ها ۸/۴ درصد و ۱۲ کشور جهان از قبیل هند و چین رشد بالای ۸ درصد را داشته اند.

تولید ناخالص داخلی سرانه: تولید ناخالص داخلی سرانه که با استفاده از تقسیم تولید ناخالص داخلی واقعی بر جمعیت کل کشور حاصل شده است، نشانگر این است که وضعیت کشور در مورد این متغیر در طی زمان بهبود

جدول (۲) - وضعیت اقتصادی ایران

سال	رشد تولید ناخالص داخلی	تولید ناخالص داخلی سرانه (میلیون ریال)	متوسط درآمد های نفت و گاز (میلیارد دلار)	نسبت هزینه های مصرفی بر سرمایه گذاری	نسبت مالیاتها به تولید ناخالص داخلی	صادرات غیر نفتی (میلیارد دلار)	واردات کالا (میلیارد دلار)	متوسط قیمت هر بشکه نفت (دلار)	درصد رشد نقدینگی	درصد تورم
1368 - 1375	۴/۰۰٪	۴/۳	۱۵/۸	۱/۵	۴/۸	۴/۸	۱۷/۵	۱۸/۲	۲۷/۹٪	۲۲/۸٪
1376 - 1383	۴/۰۰٪	۵/۲	۲۱/۷	۱/۳	۵/۹	۴/۸	۲۰/۶	۲۳/۵	۲۴/۲٪	۱۵/۵٪
1384	۵/۴٪	۶/۱	۵۱/۰۰	۳/۰۰	۶/۱	۱۱/۹	۴۶/۱	۵۵/۹	۳۴/۲۹٪	۱۲/۱٪
1385	۵/۳٪	-	-	-	-	۱۵/۸	-	-	۳۹/۴٪	۱۳/۶٪

منبع: استخراج از گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی و محاسبات محقق - ۱۳۸۶

به ۲۲/۳ درصد و در سال ۱۳۸۴ به ۲۷/۸ درصد ارتقاء یافته است. مالیات‌ها: نسبت مالیات‌ها به تولید ناخالص داخلی در این سه دوره افزایش محدودی یافته است و از متوسط ۴/۸ درصد در دوره اول به متوسط ۵/۹ درصد در دوره دوم و ۶/۱ درصد در سال ۱۳۸۴ دست یافته است.

میزان صادرات کالا: متوسط صادرات غیر نفتی در دوره ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۵ معادل ۴/۸ میلیارد دلار، در دوره ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۳ معادل ۴/۸ میلیارد دلار و در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ با افزایش چشمگیر به ترتیب برابر با ۱۱/۹ و ۱۵/۸ میلیارد دلار بوده است که سهم صادرات مواد شیمیایی و پتروشیمی در این دو سال از کل صادرات غیر نفتی به ترتیب برابر با ۲۸/۱ و ۳۹/۸ درصد بوده است. حتی با نادیده گرفتن صادرات مواد شیمیایی و پتروشیمی صادرات در دو سال اخیر به طور بارزی رشد کرده است. نسبت صادرات غیر نفتی به کل صادرات کالا طی زمان بهبود نسبی یافته است.

وضعیت صادرات غیر نفتی در طی زمان بهبود یافته است و قسمتی از آن به واسطه بهبود درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز و در نتیجه امکان دسترسی بیشتر به مواد اولیه و واسطه ای مورد نیاز کالاهای صادراتی و قسمتی در سال‌های اخیر به واسطه افزایش سهم کالاهای پتروشیمی از صادرات غیر نفتی بوده است.

میزان واردات کالا: واردات کالا طی زمان به ویژه در دو سال اخیر افزایش قابل توجه یافته است و به ترتیب در سه دوره یاد شده ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۵، ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴-۱۳۸۵ برابر با ۱۷/۵، ۲۰/۶ و ۴۶/۱ میلیارد دلار بوده است و این خود یکی از دلایل عدم افزایش شدید نرخ تورم در سال‌های اخیر با وجود نرخ‌های رشد نقدینگی و پایه پولی بوده است. همچنین متوسط واردات کالا طی سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ نسبت به دوره اول حدود سه برابر افزایش یافته که در مقایسه با میزان افزایش صادرات غیر نفتی بسیار قابل ملاحظه است.

قیمت نفت: قیمت نفت در طول زمان به ویژه در دو ساله اخیر از افزایش چشمگیری برخوردار بوده است. متوسط این متغیر در سه دوره یاد شده به ترتیب ۱/۸۲، ۲۳/۵ و ۵۵/۹ دلار در هر بشکه نفت بوده است. البته این قیمت مربوط به سبد نفتی اوپک است که ارقام مربوط به ایران چند دلار در هر بشکه کمتر است ولی مهم روند این متغیر طی زمان است که افزایشی بودن آن در دوره سوم بیش از سه برابر دوره اول قابل توجه است.

نقدینگی: رشد نقدینگی در دوره اول به طور متوسط ۲۷/۹ درصد در دوره دوم ۲۴/۲ درصد بوده است در حالیکه رشد این متغیر در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب برابر با ۳۴/۲۹ و ۳۹/۴ درصد بوده است. در صورتی که واردات در سال‌های آینده نتواند به میزان فعلی رشد کند، تورم بیشتر در آینده مورد انتظار است. بر اساس برنامه پنج ساله چهارم رشد نقدینگی در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب برابر با ۲۴/۰۰ و ۲۲/۰۰ درصد هدف گذاری شده است و این در حالی است که بر اساس آخرین اظهار نظر رییس بانک مرکزی حجم نقدینگی از رقم ۷۰ هزار میلیارد تومان به رقم ۱۴۰ هزار میلیارد تومان در سال جاری رسیده است که بسیار نامتعارف است. (۷) چون افزایش بی رویه نقدینگی در صورت عدم جذب در بخش تولید، بزرگترین محرک و عامل تشدید تورم به شمار می رود. و توصیه بیشتر کارشناسان و تحلیل گران در این خصوص آن است که چنانچه دولت

قصد مهار تورم را دارد، ابتدا باید رشد بی رویه نقدینگی را متوقف کند، که اصولاً مأموریت بانک مرکزی چیزی جز مهار تورم و حفظ ارزش پول ملی نیست.

تورم: متوسط نرخ تورم در طی این سه دوره روند نزولی داشته است، در دوره اول برابر با ۲۲/۸ درصد، در دوره دوم برابر ۱۵/۵ درصد و در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب برابر ۱۲/۱ و ۱۳/۶ درصد بوده است.

درآمدهای ارزی: متوسط صادرات نفت و گاز در هشت ساله ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۳ به ترتیب ۱۵/۸ و ۲۱/۷ میلیارد دلار بوده و در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ۵۱/۰۰ میلیارد دلار رسیده است.

ضمناً جمع مصرف ارز در سال ۷۹ نیز ۱۴ میلیارد و ۲۳۰ میلیون دلار و سال ۸۰ معادل ۱۲ میلیارد و ۴۶۳ میلیون دلار بود. متوسط مصرف ارز در برنامه سوم ۱۸ میلیارد و ۱۴۰ میلیون دلار بوده است. مصرف ارز در سال‌های ۸۴ و ۸۵ به ترتیب ۲۷ میلیارد و ۵۱۷ میلیون دلار و ۳۰ میلیارد و ۷۸۴ میلیون دلار رسیده است. که بالاترین میزان مصرف ارز طی سال‌های گذشته است. همچنین متوسط اتکای اعتبارات بودجه عمومی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۹ هم ۵۸/۴۹ درصد بوده است. میزان اتکای اعتبارات بودجه عمومی به درآمدهای نفتی در سال‌های مذکور از نظر مقداری هر ساله افزایش نشان می دهد.

شاخص قیمت سهام: وضعیت شاخص قیمت سهام در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ کمتر از سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ می باشد که با توجه به نرخ تورم، شاهد کاهش شدید شاخص قیمت سهام در دو سال اخیر می باشیم. همچنین ارزش سهام مورد معامله نیز با وجودی که به قیمت‌های جاری محاسبه شده است و در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به حدود نصف این رقم در سال ۱۳۸۳ تنزل یافته است.

ارزش افزوده بخش صنعت: رشد ارزش افزوده بخش صنعت در متوسط دوره ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۵ برابر با ۸ درصد و در متوسط دوره ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۳ برابر با ۸/۶ درصد بوده است. این متغیر در سال‌های ۱۳۸۴ و ۹ ماهه اول ۱۳۸۵ به ترتیب برابر با ۷/۱ و ۴/۰۰ درصد بوده است.

جایگاه بهره وری: سهم بهره وری عوامل تولید از کل رشد تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۸۳، ۸۴ و ۸۵ به ترتیب به ۰/۴۴ درصد، ۰/۷۴ درصد و ۰/۸۰ درصد رسیده است. متوسط رشد بهره وری در سه سال مذکور ۰/۶۶ درصد بوده که در مقایسه با دیگر کشورهای جهان بهره وری جایگاه خیلی نازلی را در رشد اقتصادی ایران به خود اختصاص داده است که بسیار پائین می باشد. ایجاد فضای رقابتی و رفع انحصارها و وضع قوانین و مقررات لازم، ارتقای سرمایه انسانی از طریق افزایش سطح کیفی آموزش‌های علمی و کاربرد متناسب با نیاز بازار کار، اصلاح شیوه انتصاب مدیران و ارزیابی آنان بر اساس ارتقای بهره وری، گسترش و بهبود کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، کاهش دوره ساخت طرح‌های عمرانی دولتی، توسعه سرمایه گذاری، مالکیت و مدیریت توسط بخش‌های غیر دولتی می توان بهره وری را ارتقا داد. البته ارتقای بهره وری به فرآیندی بلند مدت نیاز دارد که باید بصورت جدی پیگیری شود.

با توجه به عوامل بالا به نظر می رسد در حال حاضر بیماری هلندی در اثر ارز حاصل از نفت گریبانگیر اقتصاد کشور شده و مزیت نسبی اکثر

تولیدات داخلی را از بین برده و تولید را با مشکل روبرو کرده است. تولید فقط در بخش هایی از اقتصاد کشور که بیماری هلندی تأثیر کمتری داشته، مانند بخش ساختمان جواب داده است.

این در حالیست که دولت نروژ از بیماری هلندی درس گرفت و نفت را سرمایه ملی تلقی کرد که متعلق به همه نسل های حال و آینده کشور است و هیچ نسلی به تنهایی حق مصرف این سرمایه ملی را چه در زیر زمین و چه در روی زمین ندارد. دولت خود را موظف می داند که این سرمایه را برای همه نسل ها حفظ کند. صندوق ذخیره ارزی این کشور تشکیل شد و قرار شد ارزش حاصل از نفت فقط وارد صندوق شود و ذخایر این صندوق فقط بصورت وام ارزی به سرمایه گذاری های دارای توجیه اقتصادی تخصیص یابد و مجدداً این وام ها به صندوق برای نسل های بعد باز گردد. اکنون نروژ در این صندوق چند صد میلیارد یورو ارزش ذخیره کرده است و بدین ترتیب ارزش نفت از ارزش حاصل از کار و تولید کشور نروژ متمایز گردیده است و واکسن بیماری هلندی به اقتصاد کشور نروژ تزریق گردیده و اقتصاد آن کشور با این سرمایه عظیم ارزی بیمار نشده است.

سیاست های مالی کشور برای جلوگیری از بروز بیماری هلندی باید مبتنی بر ایجاد فضا و ظرفیت لازم برای افزایش تولید و اشتغال باشد، آن هم نه در سطحی که حجم نقدینگی را به مقدار زیادی افزایش دهد. اما حجم نقدینگی در کشور ما بیش از ظرفیتش افزایش داشته است، که این امر باعث تورم غیر قابل کنترلی شده است.

به هر حال تجربه نشان می دهد که نفت بلای اقتصادی نیست اگر ارزش حاصل از نفت به صندوق ریخته شود و ارزش حاصل از کار و تولید متناسب با تورم و برنامه ریزی شده به سمت هماهنگی با بازار آزاد حرکت کند تا نرخ واقعی خود را کسب کند.

جهت رونق اقتصادی کشور با این منابع عظیم داخلی پیشنهاد می شود علاوه بر اصلاح سیاست های ارزی کشور که البته ضروری است، با افزایش قابل توجهی که در بهای جهانی نفت امروز ایجاد شده و مناسب ترین فرصت برای بهره برداری از این ثروت با ارزش و خدادادی به منظور سرمایه گذاری پایدار در کشور فراهم شده است، با یک برنامه ریزی منسجم و دقیق و حساب شده از این فرصت طلایی برای توسعه همه جانبه کشور بهره گرفت و با استمرار صرفه جویی در مصرف و سیاستگذاری سنجیده در جهت استفاده از درآمدهای مناسب نفتی زیر بناهای لازم را برای توسعه پایدار ایجاد کرد.

اما سیاست های انبساطی پولی در دوسال گذشته نیز در کشور نتوانسته در بخش تولید جذب شود و بجای اینکه اثر مثبت داشته باشد اثر منفی داشته است. چون اقتصاد در سال های گذشته ظرفیت جوابگویی به سیاست های انبساطی پولی اعمال شده را نداشته و این سیاست ها تورم را افزایش داده و در برخی از بخش های اقتصادی به عنوان یک عامل مخرب عمل کرده است. همچنین میزان نقدینگی در تیر ماه ۸۵ نسبت به تیر ماه ۸۴ با ۳/۳٪ درصد رشد مواجه بوده، در حالی که با گذشت یک سال این افزایش به ۴۰/۱ درصد در پایان تیر ماه ۸۶ رسیده است.

این حساب از حدود ۶ میلیارد دلار در سال های ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ به ۱۳/۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳، ۱۳/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۴ و نزدیک به ۲۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۵ ارتقاء یافته است ولی برداشت بودجه ای از این حساب مازاد بر مبالغ اولیه در نظر گرفته شده در بودجه های سنواتی در طول زمان سیر صعودی یافته است و به ترتیب از رقم ۱/۹ و ۴/۷ میلیارد دلار در سال های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ به ارقام ۸/۱ و ۱۶/۸ میلیارد دلار در سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ ارتقاء یافته است که همین مسئله باعث شده موجودی نقدی پس از در نظر گرفتن تعهدات در سال ۱۳۸۵ فقط برابر با ۳/۱ میلیارد دلار باشد.

برداشت قابل توجه دولت از این حساب در سال های اخیر، سهم ۵۰ درصدی بخش خصوصی از این حساب را کاهش داده و فرضاً در سال ۱۳۸۵ که بخش خصوصی می توانست نیمی از ورودی به حساب را یعنی نزدیک به ۱۱ میلیارد دلار را به عنوان تسهیلات اعطایی استفاده نماید، فقط به کمتر از نیمی از آن یعنی ۵/۵ میلیارد دلار تنزل داده است. (۸)

تسهیلات اعطایی به بخش خصوصی از این حساب در طول زمان افزایش یافته است ولی بخش خصوصی همواره کمتر از سهم ۵۰ درصدی خود از میزان ورودی به این حساب استفاده نموده است. استفاده از حساب ذخیره ارزی در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۸۴ بیش از دو برابر شده است. اما هدف از تأسیس حساب ذخیره ارزی در کشورهای مختلف به حداقل رساندن اثرات شوک های مثبت (بیماری هلندی) یا شوک های منفی ناشی از نوسانات درآمدهای نفتی بر متغیرهای اقتصادی است. ولی به نظر میرسد آنچه در کشور ما اتفاق افتاده با ایده ای که در کشورهای دیگر نفت خیز نظیر نروژ، ونزوئلا، کویت و ... دنبال شده کاملاً متفاوت است.

آنچه در ایران اتفاق افتاده تنها اختصاص یک حساب ذخیره ارزی مستقل برای مازاد درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز بوده است که برای مصارف خاصی نیز در نظر گرفته شده است. هرچند تشکیل این حساب ارزی مستقل جهت جلوگیری از تأثیرات نوسانات درآمدهای نفتی بر بودجه دولت و اختصاص مازاد آن به سرمایه گذاری های بخش غیر دولتی بوده است. لیکن نتایج عملی بالا نشان می دهد که هرگاه دولت نیازمند برداشت خارج از چارچوب قوانین حساب بوده اقدام به اصلاح این ماده قانونی کرده است و علی رغم اینکه ۵۰ درصد از منابع این حساب باید به بخش خصوصی اختصاص یابد، تخصیص منابع به بخش خصوصی بسیار ضعیف بوده است.

با توجه به موارد فوق الذکر اهداف حساب ذخیره ارزی تحقق نیافته است لذا پیشنهاد می گردد مواد قانونی در ارتباط با موارد مصرف حساب ارزی مورد تجدید نظر اساسی قرار گیرد. و نظیر کشور نروژ دولت خود را موظف بداند که این سرمایه را برای همه نسل ها حفظ کند و ذخایر این صندوق را فقط بصورت وام ارزی به سرمایه گذاری ها دارای توجیه اقتصادی بدهد و مجدداً این وام ها را به صندوق ذخیره ارزی بازگرداند و سود حاصل از آن را در بودجه کشور منظور کند تا دچار بیماری هلندی نگردد.

### نتیجه گیری و پیشنهادات

بخش نفت و گاز موتور محرکه فعالیت های اقتصادی ایران است.

### وضعیت حساب ذخیره ارزی

حساب ذخیره ارزی در سال ۱۳۷۹ تشکیل شده است. منابع ورودی به

اقتصاد ایران تک محصولی است و عمدتاً بر پایه نفت قرار داشته و دارد و درآمدهای نفتی همیشه نقش بسیار مهمی را در بودجه سالانه کشور ایفا کرده و تأثیر قابل توجهی نیز بر تولید ناخالص داخلی و به تبع آن درآمدهای مالیاتی و نیز سایر درآمدهای دولت دارد.

ایران ۱۱/۱ درصد کل ذخایر نفتی جهان (۱۳۲ میلیارد بشکه) و ۱۵/۳ درصد ذخایر گاز طبیعی معادل ۲۷/۵ تریلیون متر مکعب را در اختیار دارد. سهم تولید نفت ایران در میان کشورهای عضو سازمان اوپک در حال حاضر ۴/۱ میلیون بشکه در روز است و میزان تولید گاز در سال ۱۳۸۵ حدود ۴۱۷ میلیون متر مکعب در روز بوده است. وجود این ذخایر باعث شده که کشورمان در سال ۱۳۸۴ معادل ۵۰ میلیارد دلار انرژی مصرف کند. اهمیت درآمدهای حاصل از صادرات نفت در اقتصاد کشور به عنوان اصلی ترین منبع تأمین ارزی و بودجه عمومی بر کسی پوشیده نیست. اما بند ۵۱ سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران هم تأکید بر تلاش برای قطع اتکالی هزینه های جاری به نفت و تأمین آن از محل درآمدهای مالیاتی و اختصاص عواید نفت برای توسعه سرمایه گذاری بر اساس کارایی و بازدهی دارد.

طی ۱۸ سال گذشته یعنی از ابتدای برنامه اول تا دو ساله اول برنامه چهارم (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۵)، متوسط ارزش حاصل از صادرات نفت و گاز در هشت ساله ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۵ به ۱۵/۸ میلیارد دلار و در هشت ساله ۱۳۷۶ الی ۱۳۸۳ به ۲۱/۷ میلیارد دلار و در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ۵۱/۰۰ میلیارد دلار رسیده است. و متوسط رشد تولید ناخالص داخلی طی دو دوره هشت ساله بالا به ۴/۰۰ درصد و در دو ساله ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ به ترتیب به ۵/۴ درصد و ۵/۳ درصد رسیده است، که با توجه به درآمدهای بالای نفتی به خصوص در دو سال اخیر نسبت به ۱۶ سال قبل حاکی از فاصله زیاد از رشد تولید ناخالص ۷/۱ و ۷/۴ درصدی وضع شده در برنامه پنج ساله چهارم توسعه در طی سال های مذکور است.

همچنین نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در این سه دوره افزایش محدودی یافته است و از متوسط ۴/۸ درصد در دوره اول به متوسط ۵/۹ درصد در دوره دوم و ۶/۱ درصد در سال ۱۳۸۴ رسیده است.

مقایسه وضعیت وابستگی برنامه اول تا چهارم به درآمدهای مالیاتی و نفتی که با استفاده از ارقام عملکرد قطعی سال های مذکور انجام گرفته نشان می دهد متوسط سهم درآمدهای مالیاتی از منابع دولت طی سال های مذکور ۲۳/۳۴ درصد و سهم درآمد نفت و گاز ۵۸/۵ درصد که حاکی از افزایش وابستگی بیشتر دولت به درآمدهای نفتی در برنامه ها است.

واقعیت آنست که اقتصاد ایران دست کم تا ۵۰ سال دیگر وابسته به نفت خواهد بود و تمرکز انحصاری بر اقتصاد بدون

نفت یک راهبرد عقلانی در اقتصاد ما نخواهد بود. حجم بالای ارزش فروش نفت در اقتصاد ایران تمرکز بر روی بحث منفک کردن نفت از اقتصاد کشور یک عمل بسیار دشوار است، اما افزایش میزان استفاده از درآمدهای نفتی در ایجاد زیرساخت های تولیدی و صادراتی برای سال های بدون نفت شدنی است.

مهم ترین جایگاه بخش نفت در اقتصاد ایران، تأمین بیش از ۸۵ درصد از درآمدهای ارزی کشور و در نتیجه اتکالی انکار ناپذیر تقریباً همه بخش های اقتصاد به درآمدهای حاصل از صادرات نفت برای تأمین نیازهای وارداتی خود است. و از طرف دیگر نفت بیش از ۹۷ درصد انرژی مورد نیاز کشور را تأمین می کند، لذا عدم توجه به نفت و ضعف بخش نفت در هر یک از بخش های صادرات به خارج از کشور یا مصرف داخلی جهت تولید انرژی می تواند بطور مستقیم حرکت اقتصادی کشور را متأثر کند. نتیجتاً رونق و رکود اقتصادی کشور به مقدار قابل توجهی تابع عملکرد این بخش است.

طی یک دهه گذشته بطور متوسط ۵۸/۴۹ درصد از درآمدهای بودجه عمومی را درآمدهای حاصل از صادرات نفت تأمین کرده است که این جدای از تأثیر غیر مستقیم این بخش بر درآمدهای مالیاتی و نیز سایر درآمدها است. لذا کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت باعث نامطلوب شدن وضعیت ارزی کشور که نتیجه اش کاهش واردات کالاها و سرمایه های واسطه ای، افت تولید و نیز کاهش سرمایه گذاری می شود.

افزایش وابستگی بیشتر دولت به درآمدهای نفتی در سال های اخیر از یک طرف به دلیل افزایش قیمت نفت در سال های اخیر است و از طرف دیگر برداشت زیاد از حد از صندوق ذخیره ارزی است چون از مجموع ۵۱/۷ میلیارد دلار منابع ورودی به حساب ذخیره ارزی از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ تنها موجودی نقدی این حساب پس از کسر تعهدات در سال ۱۳۸۵ فقط به ۳/۱ میلیارد دلار رسیده است که پیشنهاد می گردد قوانین مربوط به موارد مصرف حساب ذخیره ارزی مورد تجدید نظر واقعی قرار گیرد، سختگیرانه شود و فقط جهت سرمایه گذاری های زیر بنایی و دارای توجیه اقتصادی وام داده شود و سود حاصل در بودجه اعمال شود.

در مجموع با توجه به رشد تولید ناخالص داخلی پایین، بهبود محدود تولید ناخالص سرانه، عدم دستیابی به اهداف سرمایه گذاری، افزایش زیاد هزینه های مصرفی دولت، افزایش اندازه دولت، افزایش محدود نسبت مالیات ها به تولید ناخالص ملی، افزایش سرسام آور واردات کالا، افزایش لجام گسیخته نقدینگی و بهره وری پایین در سال های اخیر نه تنها اهداف برنامه چهارم توسعه جامه عمل نپوشیده بلکه وابستگی به درآمدهای نفتی تشدید شده و اقتصاد کشور در اثر ارز حاصل از صادرات نفت دچار بیماری هلندی گردیده است که نشان دهنده آن است که روش فعلی هزینه کردن



درآمدهای نفتی نیاز به اصلاح دارد و جهت هزینه بهتر درآمدهای نفتی پیشنهاد می شود بخشی از این درآمدها به اجرای زیر ساخت ها، برنامه های توسعه و تولید و اشتغال اختصاص یابد و بخش دیگر از این درآمدها را صرف سرمایه گذاری و خرید سهام مؤسسات و بنگاه های بزرگ اقتصادی- مالی جهان کنیم و از منافع ناشی از این سرمایه گذاری برای توسعه کشور استفاده کنیم. بخشی را نیز در ناوگان حمل و نقل ریلی کشور و بخصوص راه آهن سریع السیر بین شهرهای بزرگ و مترو هزینه کنیم ضمناً با توجه به وضعیت موجود و احتمال وضع تحریم های جدید جانب احتیاط را هم حفظ کرده و بخشی از درآمدهای نفتی را به عنوان پشتوانه کشور پس انداز کنیم. چون در حال حاضر هم تزریق بیش از اندازه پول به اقتصاد کشور سم مهلک است.

#### پی نوشت ها:

۱. معینی، امیر، " جایگاه ایران در تولید و صادرات جهانی گاز"، موسسه مطالعات بین المللی انرژی، اطلاعات اقتصاد و بورس، تیر ماه ۱۳۸۶، ص ۱۷ و ۱۸.
۲. کوردز من، آنتونی، " اهمیت خلیج فارس در تأمین نفت جهان"، اطلاعات اقتصاد و بورس، ۲۷ شهریور ۱۳۸۶، ص ۱۸.
۳. همان منبع
۴. " ضرورت تدوین راهبرد مدیریت مصرف انرژی"، اطلاعات اقتصاد و بورس، ۲۲ مرداد ماه ۱۳۸۶، ص ۱۷.
۵. " بررسی وضعیت اقتصادی کشور ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۵"، مرکز پژوهش های مجلس، ابرار اقتصادی، ۱۴ آبان ۱۳۸۶، ص ۲.
۶. همان منبع
۷. " نقدینگی در مرز هشدار"، روزنامه جام جم، ۱۰ آبان ماه ۱۳۸۶، ص ۱.
۸. " بررسی ۲۱ شاخص اقتصادی ایران"، اطلاعات اقتصاد و بورس، ۱۶ آبان ماه ۱۳۸۶، ص ۱۷.

۷. حیدری، ابراهیم، " تجزیه و تحلیل کارایی انرژی در اقتصاد ایران"، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۱ و ۲، ۱۳۸۲.
۸. دانشیار، کمال، " اقتصاد بدون نفت"، کمیسیون انرژی مجلس، ۱۳۸۵.
۹. کرگ، اسمیت، " اصول مدیریت انرژی"، ترجمه شهناز صادقی، نشر دانشگاه، ۱۳۷۶.
۱۰. کسای زاده، سید رضا، " الزامات حضور فعال در بازار جهانی گاز"، شرکت ملی گاز ایران، ۱۳۸۶.
۱۱. گوارتنی، جیمز، " اقتصاد ایران در آینه آمار"، موسسه تحقیقاتی فریزر آمریکا، ۱۳۸۶.
۱۲. منوچهری، غلامرضا، " حضور ایران در میدین نفتی جهان"، شرکت پترو پارس، ۱۳۸۶.
۱۳. وزیر ی همامانه، سید کاظم، " صنعت نفت در تکاپوی توسعه"، وزارت نفت ۱۳۸۶.

۱۴. وطنی، علی، " ضرورت تدوین تراز، تولید، مصرف و صادرات گاز"، انجمن نفت ایران، ۱۳۸۶.
۱۵. " ارزیابی شاخص آزادی اقتصادی و اندازه دولت در اقتصاد ایران ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۴"، اداره بررسی ها و سیاستهای اقتصادی بانک مرکزی، ۱۳۸۶.
۱۶. " تحولات کشور و عملکرد دولت ۷۹-۱۳۷۶"، ناشر سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، اسفند ماه ۱۳۷۹.
۱۷. " رشد نقدینگی و بودجه انبساطی اصلی ترین دلایل رشد تورم"، اطلاعات اقتصاد و بورس، ۲ شهریور ماه ۱۳۸۶، ص ۱۹.
۱۸. " سند چشم انداز ۲۰ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۴"، بسیج اساتید، ۱۳۸۳.
۱۹. " قدرت نمایی چین در اقتصاد جهانی"، اطلاعات اقتصاد و بورس، ۱۱ مرداد ماه ۱۳۸۶، ص ۱۷.
۲۰. " همایش برنامه چهارم توسعه، چالشها و ارزش ها"، مجموعه مقالات، ناشر دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، زمستان ۱۳۸۴.
۲۱. " همایش لایحه برنامه چهارم توسعه"، مجموعه مقالات، نشر مشاوران، شهریور ماه ۱۳۸۳.

22. EDMONDS, J. & REILLY, J. (1983). A Long-Term Global Energy. Energy Economics.

23. IEA(International Energy Agency), 2004. "World Energy Outlook 2004". IEA/OECD, Paris, France.

24. Krichene, N., 2002. "World crude oil & natural gas: a demand & supply model".

25. NAFZIGER, W. (1997). The Economics of Developing Country. Prentice - Hall International Inc.

26. WEA (World Energy Assessment), 2000. "Energy & the Challenge of Sustainability".

27. World Energy Council Commission. (1993). Energy for Tommorrow's World. London

28. WWW.Elsevier.com / locate / eneco. Energy Economics 28 ( 2006 ).

29. YOICHI, K. & KEIICHI, Y. (1997). Environment, Energy & Economy. University press.

#### منابع:

۱. آقایان، حسین، " مصرف فرآورده های نفتی انرژی زا"، آمار نامه شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران، انتشارات روابط عمومی، ۱۳۸۳.
۲. ادیب، محمد حسین، " ایران و سازمان تجارت جهانی"، نشر آموزه، ۱۳۷۹.
۳. استقن، کسلر، " منابع معدنی از دیدگاه اقتصادی و زیست محیطی"، ترجمه فرید مر، انتشارات ویژه نشر، ۱۳۷۵.
۴. باقریان، احمد، " ظرفیت تولید گاز طبیعی کشور افزایش می یابد"، شرکت ملی گاز ایران، ۱۳۸۵.
۵. ترنر، آرک، " اقتصاد محیط زیست"، ترجمه سیاوش دهقانیان، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۹.
۶. جشن ساز، سیف الله، " چشم انداز افزایش سهم ایران در تولید نفت جهان"، شرکت ملی مناطق نفت خیز، ۱۳۸۵.